

پیش‌بینی صفات پنج‌عاملی شخصیت دانشجویان بر اساس سبک‌های دلبستگی بزرگسالان

اقبال زارعی^۱، روح‌الله کریمی بلداجی^۲، حسین حیدری^{۳*}، عباسعلی حسین‌خانزاده^۴، غفار بهارلو^۵

۱- دانشیار روان‌شناسی، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران

EghbalZarei2010@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران

Karamiboldaji@gmail.com

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران

Hossein.Heydari1368@yahoo.com

۴- استادیار روان‌شناسی و آموزش کودکان با نیازهای خاص، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

Abbas_khanzadeh@yahoo.com

۵- کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

Ghafarbaharloo@yahoo.com

چکیده

تحقیق حاضر با هدف بررسی رابطه چندگانه سبک‌های دلبستگی بزرگسالان بر اساس الگوی پنج‌عاملی شخصیت است. نمونه آماری این تحقیق ۲۴۰ نفر از دانشجویان دانشگاه هرمزگان بودند که در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ مشغول به تحصیل بودند و به صورت نمونه‌گیری در دسترس از بین تمامی دانشجویان انتخاب شدند و به دو پرسشنامه سبک‌های دلبستگی (RSQ)، صفات پنج‌عاملی شخصیت (NEO)، پاسخ دادند. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که سبک دلبستگی ایمن می‌تواند صفت روان‌رنجورخویی را به‌طور معکوس و صفات برون‌گرایی، گشودگی نسبت به تجربه، خوشایندی و وظیفه‌شناسی را به‌طور مستقیم پیش‌بینی کند. سبک دلبستگی دل‌مشغول هم در پیش‌بینی خوشایندی به‌طور معکوس نقش دارد. همچنین، وظیفه‌شناسی به‌طور مستقیم توسط سبک دلبستگی ترسان و به‌طور معکوس توسط سبک دلبستگی نفی‌کننده قابل پیش‌بینی است. ($P < .001$)

واژه‌های کلیدی: سبک‌های دلبستگی، صفات پنج‌عاملی شخصیت، دانشجویان.

مقدمه

آنچه نظریه دلبستگی از آن با عنوان الگوی فعال درونی^۶ خود و دیگران نام می‌برد، در فرد شکل می‌گیرد. وقتی موضع دلبستگی غیرپاسخگر و غیرحساس باشد، الگوی فعال درونی منفی^۷ از خود و دیگران در خود و نوزاد شکل می‌گیرد (لیدن و شری^۸، ۲۰۰۱). این الگوهای درونی شکل‌گیری و حفظ روابط نزدیک را در ادامه زندگی فرد تحت تاثیر قرار می‌دهند. طبق نظر بالبی (۱۹۷۹)، دلبستگی بخش جدایی ناپذیر رفتار انسان از گهواره تا گور است. هازن و شیور^۹ بر اساس طبقه‌بندی اینزورث از سبک‌های دلبستگی^{۱۰} که در مطالعات موقعیت نا آشنا^{۱۱} در نوزادان یک ساله به دست آمد (اینزورث و همکاران^{۱۲}، ۱۹۷۸) و همچنین، بر اساس مشاهدات و تحقیقات متعدد، سه سبک دلبستگی بزرگسالی را که ادامه کیفیت روابط کودکی است، شناسایی کردند: سبک دلبستگی ایمن^{۱۳}، سبک دلبستگی اجتنابی^{۱۴} و سبک دلبستگی دوسوگرا^{۱۵}. اما چه متغیرهایی با سبک دلبستگی رابطه دارند؟

شناسایی این متغیرها به درک بهتر دلبستگی کمک می‌کند. نظر به ماهیت دلبستگی، پژوهش‌هایی که تا به امروز در مورد سبک‌های دلبستگی انجام شده است، روی متغیرهای رابطه‌ای مثل کیفیت روابط صمیمی و سبک دوست داشتن متمرکز بوده است و خصیصه‌های شخصیتی به عنوان

شخصیت اشخاص در سال‌های اولیه زندگی، به وسیله رابطه‌شان با محیط شکل می‌گیرد (هامارتا^۱، ۲۰۰۴). با وجود این، رابطه بین کودک و مادر و مراقبانش در اوایل طفولیت، ابتدا بیشتر به صورت فیزیکی و جسمانی است، بعد از دوران طفولیت این نحوه ارتباط درونی می‌شود و این روابط بر تمام زندگی کودک تاثیر می‌گذارد.

روابط بنا نهاده شده بین کودک و مادر، به مادر کمک می‌کند که به نشانه‌های بیماری و ترس در کودک حساس باشد. بنابراین، مادر بنیان و اساس ایمنی را البته از طریق حمایت و کمک کردن به کودک برای جستجوی محیط مهیا می‌کند (کوپر و همکاران^۲، ۱۹۹۸). بر اساس نظریه بالبی^۳ (۱۹۷۳)، دلبستگی درونی افراد بر اساس روابط با مراقبان اولیه شان بنا نهاده می‌شود و این چارچوب شناختی را برای فرد در برقراری روابط اجتماعی آینده‌اش مهیا می‌کند. الگوی فعال درونی شامل دو الگوست که هر یک از آن‌ها با یکدیگر در ارتباط هستند.

الگوی اول، مدل خود است که نمایی از ادراکات فرد درباره میزانی را که افراد برای او ارزش قائل شده‌اند، در بر می‌گیرد. مدل دیگر، انعکاسی از میزانی را که فرد برای دیگران در هنگام نیاز به حمایت و در دسترس بودن ارزش قائل است، در بر می‌گیرد (بالبی، ۱۹۷۳؛ بارثولومئو و هاروویتز^۴، ۱۹۹۱؛ وینچ زندوم و بکرمن-کرانن بورگ^۵، ۱۹۹۶).

⁶ Positive internal working models

⁷ Pegative internal working models

⁸ Lyddon & sherry

⁹ Hazan & Shaver

¹⁰ Attachment styles

¹¹ Strange situation

¹² Ainsworth & etal

¹³ Secure attachment style

¹⁴ Avoidant attachment style

¹⁵ Ambivalent attachment style

¹ Hamarta

² Cooper & etal

³ Bowlby

⁴ Bartholomew & Horowitz

⁵ VanIjzendoorn & Bakermans-Kranenburg

موقعیت‌های استرس را تعیین می‌کنند، تعریف شوند». الگوی فعال درونی، راهبردهای عاطفی شخصیتی هستند که افراد را نظم می‌دهند، جهت می‌دهند و به آن‌ها کمک می‌کنند تا رفتار خاصی را به نمایش بگذارند.

افراد و محیط اجتماعی سیستم متقابل هستند، که مشخص شده است محیط فرهنگی اجتماعی در رشد ساختار شخصیت مؤثر است. تفاوت‌های فردی در الگوی فعال درونی و روابط دلبستگی در رشد شخصیت مؤثر است و سازگاری روان‌شناختی به وسیله صحت تأثیر الگوی فعال درونی و روابط دلبستگی بر روی انتظارات فرد درباره خود و درباره دیگران تأثیر می‌گذارد (کروونو همکاران^۲، ۲۰۰۱).

ساختار شخصیت در تحقیقاتی که به روان‌شناختی شخصیت مربوط می‌شوند، دارای اهمیت زیادتری است. اگرچه چندین دیدگاه درباره شخصیت می‌توان انتظار داشت؛ با وجود این، توضیحات مشخصی در مورد شخصیت وجود ندارد. با این حال، محققان در مطالعات تحلیل عوامل به نتایج همسانی دست یافته‌اند. محققان به شواهد آشکاری که پنج بعد از شخصیت را مشخص می‌کنند، دست یافته‌اند (کاستا و همکاران^۳، همکاران^۴، ۱۹۸۷؛ مک کری و جون، ۱۹۹۲).

بکان لی و همکاران^۵ (۲۰۰۹) و بورگر^۵ (۲۰۰۶)، شخصیت را به عنوان الگوهای رفتاری با ثبات در افراد و فرایندهای شخصی درونی تعریف می‌کنند. آنچه به وسیله الگوهای رفتاری باثبات انجام می‌گیرد، عملکرد یکسان در هر مکان و زمانی

هسته‌های سبک‌های دلبستگی بزرگسالی کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. از این‌رو، در پژوهش حاضر سعی می‌شود به این موارد پرداخته شود.

مطالعه اخیر دلبستگی بارثلومیو و هاروویتز (۱۹۹۱)، بر اساس مدل چهار گروهی استوار است. الگوهای دلبستگی چهارگانه بر حسب روابط مثبت و منفی فرد، با خودش و دیگران بنا نهاده شده است:

۱- افرادی که سبک ایمن دارند، الگوی فعال درونی مثبت نسبت به خود و دیگران را در خود می‌پروراند. این افراد دارای احساس دوستی و محبت هستند و انتظار دارند که افراد دیگر به صورت حمایتی و پذیرا با آن‌ها رفتار کنند.

۲- افرادی که دارای سبک دل مشغول (تنیده) هستند، دارای الگوی فعال منفی نسبت به خود و الگوی فعال مثبت نسبت به دیگران هستند. این افراد احساس ناشایستگی (بی‌ارزشی) درباره خودشان و احساس ارزشمند بودن نسبت به دیگران دارند.

۳- افرادی که دارای سبک نفی کننده (طرد کننده) هستند، دارای الگوی فعال مثبت نسبت به خود و الگوی فعال منفی نسبت به دیگران هستند و به استقلال اهمیت بیشتری می‌دهند. سبک دلبستگی هراسان (ترسان)، سبک دیگری است که در آن احساس منفی درباره خود و دیگران وجود دارد. این افراد، احساس بی‌ارزشی و طرد نسبت به دیگران دارند (بارثلومیو و شاور، ۱۹۹۸). کوباک و اسکری^۱ (۱۹۸۷) بیان کردند که «الگوی فعال درونی در دلبستگی می‌تواند به صورت قوانین درونی که جهت واکنش‌های عاطفی افراد را در

² Cervone & etal

³ Costa & etal

⁴ Bacanlı & etal

⁵ Burger

¹ Kobak & Sceery

اجتماعی دوستانه، دوستدار شادی، نمودهای رضایت و قدرت را در این عامل نشان می‌دهند.

گشادگی به تجربه به رضایتمندی افراد جهت دریافت عقاید جدید و رویکردها، تخیلات قوی، حس کنجکاوی عالی و تفکرات چند بعدی توجه دارد. سازگاری به عنوان تمایل در جهت کمک، فروتنی، بخشش و مهربانی تعریف می‌شود. افرادی که از خوشایندی بالایی برخوردارند، اغلب به فکر دیگران هستند و بر عواطف نزدیک بر دیگران تأکید دارند و در کل آن‌ها اجتماعی هستند. وظیفه‌شناسی به عنوان تمایل به پاسخگو بودن، بلند پروازی، با دقت، نظم و قانون‌مداری تعریف می‌شود (بکان لی و همکاران، ۲۰۰۹؛ بورگر، ۲۰۰۶؛ مک کری و جون، ۱۹۹۲؛ شاور و برن^۲، ۱۹۹۲).

سبک‌های دلبستگی در رشد شخصیت افراد دارای اهمیت فراوانی است. شواهد فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد سبک‌های دلبستگی به وسیله روابط اولیه در کودکی شکل می‌گیرد و به وسیله محیط ثبات پیدا می‌کند.

همچنین، آن‌ها در نوجوانی و بزرگسالی جریان پیدا می‌کنند و در رشد و شخصیت افراد و روابط بین فردی‌شان تأثیر می‌گذارند (اینثورت^۳، ۱۹۸۹؛ هامیلتون^۴، ۲۰۰۰؛ استروف^۵، ۱۹۷۹). بنابراین، تکامل روابط ایمن بزرگسال با کیفیت روابط بین کودک و مادر در ارتباط است (کیهان^۶، ۲۰۰۶).

بشارت و همکاران (۱۳۸۵)، در تحقیقی با عنوان "بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی و ابعاد شخصیت" به این نتایج دست یافتند که بین

است و آنچه الگوهای درونی شخصی را شامل می‌شود، عبارت است از تمام عواطف، شناخت‌ها و مراحل عاطفی رشد یافته در درون ما که تمام احساسات و افعال ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

ابعادی که مدل پنج عاملی شخصیت را دربرمی‌گیرد عبارتند از: روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی، گشودگی به تجربه، وظیفه‌شناسی و خوشایندی، که این ابعاد به وسیله مطالعات بین فرهنگی انجام شده مورد تأکید قرار گرفته‌اند (بکان لی و همکاران، ۲۰۰۹). این ابعاد به عنوان سازمانی از سیستم‌های پویا که رفتارهای صحیح افراد و سبک‌های تفکر آن‌ها را ارزیابی می‌کند، تعریف می‌شوند (اکسیو اترار^۱، ۲۰۰۱). هر یک از این پنج عامل روی هم رفته به وسیله گرایش‌های جدا از موقعیت در افکار، احساسات و عکس‌العمل‌های افراد به وجود می‌آیند (کروون و همکاران، ۲۰۰۱).

روان‌رنجورخویی به عنوان تمایل به تجربه کردن اثرهای منفی متفاوت، از جمله اضطراب، خجالت، ناایمنی شخصی، تحریک‌پذیری، ترس و افسردگی تعریف می‌شود. افرادی که احساسات مخرب و ناخشنودی را تجربه می‌کنند و عواطف ناپایداری دارند، نمره‌های بالایی در روان‌رنجورخویی می‌گیرند.

افرادی که سطح بالایی از روان‌رنجورخویی دارند، نسبت به افرادی که از سطح پایین‌تری برخوردار هستند، تمایل به این دارند که استرس بیشتری را در زندگی روزمره تجربه کنند. افراد برون‌گرا اغلب اجتماعی، شاد، خوشرو، علاقه‌مند، خوشبین و با انرژی هستند. همچنین، گرایش

² Shaver & Bernn

³ Ainsworth

⁴ Hamilton

⁵ Sroufe

⁶ Ceyhan

¹ Eksi & Otrar

مهارت‌های اجتماعی وجود دارد (آندرز و توکرز^۲، ۲۰۰۰؛ دنیز و همکاران^۳، ۲۰۰۵؛ دی توماسا و همکاران^۴، ۲۰۰۳). تحقیقات دیگر، همچنین مشخص ساختند که افراد با منبع کنترل درونی دارای سبک دلبستگی ایمن هستند؛ در صورتی که افراد با منبع کنترل بیرونی دارای سبک دلبستگی نایمن هستند (دیلماس و همکاران^۵، ۲۰۰۹؛ هگزل^۶، ۲۰۰۳؛ مک ماهان^۷، ۲۰۰۷). افراد با اعتقادات نامعقول مانند: ارائه اهمیت مفرط به تاییدپذیری افراد دیگر و رشد شخصیت وابسته یا فقدان اعتماد به نفس، بر روی مشکل‌های اختلالات شخصیت افراد تاثیر می‌گذارد (دورموسوگلو و همکاران^۸، ۲۰۰۶). این اعتقادات ممکن است با سبک‌های دلبستگی نایمن که در تجارت سال‌های اولیه رشد کرده است، مرتبط باشند.

از آنجایی که سبک‌های دلبستگی به وسیله تجارب اولیه کودکان شکل می‌گیرند، می‌تواند سهم مهمی در درک افراد و ویژگی‌های شخصیت آن‌ها داشته باشد. بنابراین، هدف اصلی این پژوهش تعیین رابطه بین سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیت دانشجویان است. این پژوهش به دنبال بررسی فرضیه‌های زیر است:

- ۱- سبک‌های دلبستگی صفت روان‌رنجورخویی دانشجویان را پیش‌بینی می‌کنند.
- ۲- سبک‌های دلبستگی صفت برون‌گرایی دانشجویان را پیش‌بینی می‌کنند.

سبک دلبستگی ایمن با برون‌گرایی همبستگی مثبت وجود دارد، بین سبک‌های دلبستگی نایمن (اجتنابی و دوسوگرا) و روان‌رنجورخویی همبستگی مثبت معنی‌داری وجود دارد و بین سبک‌های دلبستگی نایمن (اجتنابی و دوسوگرا) و برون‌گرایی همبستگی معناداری وجود دارد.

شاور و برن (۱۹۹۲)، نتایج معناداری در مورد اثربخشی سبک‌های دلبستگی بر روی شخصیت افراد در دانشجویان دانشگاه کسب کرده‌اند. نتایج مشخص کرد افراد ایمن نسبت به افراد نایمن کمتر نوروپیک و بیشتر برون‌گرا بودند و آن‌ها نسبت به افراد اجتنابی بیشتر صفت توافق‌پذیری را دارا هستند. افرادی که نمره‌های بالایی در اجتناب به دست می‌آورند، کمتر گشادگی به تجربه داشتند و سبک دلبستگی اجتنابی همچنین با روابط کوتاه، افسردگی، سطح پایین رضایت و تعهد مرتبط بود.

افراد با سبک‌های دلبستگی ترسان در حفظ روابط دارای مشکل بودند. دمیرکن^۱ (۲۰۰۶)، مشخص کرد که رابطه معناداری بین سبک‌های دلبستگی و پنج عامل شخصیت وجود دارد. گریفن و بارثلوميو (۱۹۹۴)، بیان کردند که نوروپیک و برون‌گرایی دو بعد از پنج عامل صفات شخصیت با سبک‌های دلبستگی در ارتباط هستند. آن‌ها بیان کردند که رابطه منفی بین نوروپیک و اعتماد به نفس وجود دارد. خرده‌مقیاس برون‌گرایی که مانند اجتماعی شدن، خوشبین بودن، بشاشیت، توکل‌کننده و علاقه‌مند تعریف می‌شود، با صفات افراد ایمن مرتبط است.

نتایج مطالعات زیادی مشخص کرده است همبستگی مثبتی بین سبک دلبستگی ایمن و الگوی

² Anders & Tucker

³ Deniz & etal

⁴ DiTommaso & etal

⁵ Dilmaç & etal

⁶ Hexel

⁷ McMahan

⁸ Durmusoglu & etal

¹ Demirkan

اندازه‌گیری می‌کند. ضریب پایایی این مقیاس در سال ۱۹۹۴ از طریق روش آماری آلفای کرونباخ بین ۰/۵۴ و ۰/۷۸ اندازه‌گیری شده است. همزمان، روایی این مقیاس با پرسشنامه بارثولومئو و هوریتز در سال ۱۹۹۱ بررسی شد که ضریب همبستگی‌شان بین ۰/۴۶ و ۰/۶۱ متغیر بوده است. این پرسشنامه ابتدا توسط پژوهشگران ترجمه و سپس روایی آن توسط پنج تن از استادان دانشگاه تایید گردید.

پایایی این پرسشنامه به وسیله آلفای کرونباخ برای هریک از خرده مقیاس‌های ایمن، دل مشغول، ترسان و نفی‌کننده در این پژوهش، به ترتیب ۰/۶۷، ۰/۷۲، ۰/۵۸ و ۰/۷۸ محاسبه و پایایی کل آزمون ۶۸/۷۵ محاسبه گردید.

ب- فرم کوتاه پرسشنامه پنج عاملی شخصیت نئو
پرسشنامه NEO-PI-R فرم تجدید نظر شده پرسشنامه شخصیتی NEO و جانشین آن است که در سال ۱۹۸۵ پائول تی کوستا و روبرت آرمک کری آن را تهیه کرده‌اند (گروسی، ۱۳۸۰). این تست حاوی ۲۴۰ سوال و دارای دو فرم S (درجه‌بندی توسط خود فرد) و فرم R (درجه‌بندی توسط دیگران) است که پنج عامل اصلی شخصیت و شش خصوصیت در هر عامل را اندازه می‌گیرد و به این ترتیب، ارزیابی جامعی از شخصیت فرد ارائه می‌دهد.

این تست در ایران توسط گروسی (۱۳۸۰) ترجمه، هنجاریابی، و اجرا شده است.

در این تحقیق، از فرم کوتاه و ۶۰ سوالی این تست (NEO-FFI) استفاده می‌شود که سوال‌های آن در یک مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای به صورت کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم و کاملاً موافقم است و توسط خود فرد پاسخ داده می‌شوند.

۳- سبک‌های دلبستگی صفت گشادگی به تجربه دانشجویان را پیش‌بینی می‌کنند.

۴- سبک‌های دلبستگی صفت خوشایندی دانشجویان را پیش‌بینی می‌کنند.

۵- سبک‌های دلبستگی صفت وظیفه شناسی دانشجویان را پیش‌بینی می‌کنند.

روش پژوهش

این تحقیق از نوع مطالعات همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه دانشجویان دانشگاه هرمزگان است که در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ مشغول به تحصیل بودند. نمونه پژوهش در این تحقیق ۲۴۰ نفر از دانشجویان دانشگاه هرمزگان بودند که بر اساس جدول مورگان بین ۳۷۸۶ دانشجوی دانشگاه هرمزگان به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. علت این که اعضای نمونه از طریق نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند، وجود مشکلات در نمونه‌گیری تصادفی بود.

ابزارهای اندازه‌گیری

الف- پرسشنامه سبک‌های دلبستگی

پرسشنامه سبک‌های دلبستگی^۱ را گریفین و بارثولومئو^۲ در سال ۱۹۹۴ ساختند. سپس در بین شرکت‌کنندگان ترکی هنجاریابی گردید و توسط سومر و گونگور^۳ در سال ۱۹۹۹ به کار برده شد تا سبک‌های دلبستگی را در بین دانشجویان تعیین کند.

این پرسشنامه بر اساس یک مقیاس ۱۷ آیتی لیکرتی تدوین شده است که سبک‌های دلبستگی مختلف (ایمن، طردکننده، ترسان، دل مشغول) را

^۱ Relationships Scales Questionnaire

^۲ Griffin & Bartholomew

^۳ Sumer & Gungor

برناردو و همکاران (۲۰۰۵) همبستگی موجود بین ابعاد اصلی را در دو فرم NEO-FFI و NEO-PI-R، بین ۰/۸۷ تا ۰/۹۳ گزارش کردند.

یافته‌های پژوهش

این مطالعه، بر روی ۲۴۰ نفر از دانشجویان با دامنه سنی ۱۸-۳۲ سال و میانگین سنی ۲۵/۷۴ سال که بیش از نیمی از واحدها (۵۶/۹ درصد) مرد بودند، انجام شد. ۲۵/۳ درصد از حجم نمونه در دانشکده علوم انسانی، ۲۱/۳ درصد در دانشکده علوم پایه و ۱۸/۴ درصد در دانشکده کشاورزی، ۲۶/۵ در دانشکده علوم و فنون دریایی و ۸/۵ درصد حجم نمونه از دانشکده فنی مهندسی بودند که در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ مشغول به تحصیل بودند. جدول ۱. ضرایب همبستگی ساده بین سبک‌های دلبستگی و صفات

پنج عامل شخصیت

متغیرها	روان رنجورخوبی	برونگرایی	گشادگی به تجربه	خوشایندی	وظیفه شناسی
ترسان	۰/۰۹	*-۰/۱۱	-۰/۰۴	-۰/۰۶	۰/۰۱
دلمشغول	۰/۰۵	۰/۰۳	*۰/۱۱	*-۰/۱۵	۰/۰۴
ایمن	***-۰/۲۶	***۰/۲۹	***۰/۲۸	***۰/۱۷	***۰/۱۱
نفی کننده	***۰/۱۷	-۰/۰۴	-۰/۰۸	-۰/۰۴	**۰/۰۱۸

* < ۰/۰۵ ** < ۰/۰۱ *** < ۰/۰۰۱

با صفت روان رنجورخوبی و به طور مثبت با صفات رونگرایی، گشادگی به تجربه، خوشایندی و وظیفه شناسی (به ترتیب: $r=0/29$ ، $r=0/28$ ، $r=0/17$ ، $r=0/11$) رابطه معناداری نشان داد و در نهایت، سبک دلبستگی نفی کننده، رابطه مثبت با روان رنجورخوبی ($r=0/17$ ؛ $P<0/001$) و رابطه منفی با وظیفه شناسی ($r=0/18$ ؛ $P<0/01$) نشان داد.

مک کری و کاستا در سال ۱۹۸۳ فرم ۶۰ سؤالی نئو را بر روی ۲۰۸ دانشجو به فاصله ۳ ماه اجرا کردند و ضرایب پایایی^۱ ۰/۸۳، ۰/۷۵، ۰/۸۰، ۰/۷۹ و ۰/۷۹ را به ترتیب برای عوامل N، E، O، A، و C به دست آوردند (گروسی، ۱۳۸۰). در تحقیق مانی (۱۳۸۳)، پایایی باز آزمون به فاصله دو هفته برای مقیاس‌های این تست، بین ۰/۸۶ تا ۰/۹۰ و دامنه ضریب همسانی درونی آن ۰/۶۸ تا ۰/۸۶ گزارش شده است. اکثر تحقیقات، اعتبار این مقیاس را (با استفاده از همبستگی فرم S و R) تایید کردند (گروسی، ۱۳۸۰). کاستا و مک کری (۱۹۹۲) به منظور محاسبه روایی^۲ آزمون خود همبستگی بین گزارش‌های شخصی و ارزیابی همسالان را در یک نمونه ۲۵۰ نفری بررسی نمودند و همبستگی ۰/۳۰ تا ۰/۶۵ را به دست آوردند (محمدی، ۱۳۸۵).

جدول ۱ همبستگی بین سبک‌های دلبستگی و صفات پنج عامل شخصیت را نشان می‌دهد. از بین سبک‌های دلبستگی، سبک دلبستگی ترسان به طور منفی با صفت برونگرایی رابطه دارد ($r=-0/11$ ، $P<0/05$) و سبک دلبستگی دل مشغول با صفت گشادگی به تجربه به طور مثبت ($r=0/11$ ، $r=0/02$) و به طور منفی با صفت خوشایندی ($r=-0/15$) و سبک دلبستگی ایمن به طور منفی ($r=-0/26$ ، $P<0/05$) رابطه نشان داد و همچنین، سبک دلبستگی ایمن به طور منفی ($r=-0/26$ ، $P<0/001$)

¹ Stability

² Validity

جدول ۲. خلاصه نتایج رگرسیون همزمان بین سبک‌های دلبستگی بزرگسالان و پنج عامل شخصیت

مدل	متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	همبستگی چندگانه R	ضریب تعیین R ²	نسبت F	سطح معناداری F	مقادیر β	T	سطح معناداری β
۱	روان‌رنجور خویی	ترسان	۰/۱۹	۰/۰۳۹	۵/۳۲	۰/۰۰۱	۰/۰۲۵	-۰/۴۷	۰/۸۲۴
		دل‌مشغول					۰/۰۷۱	۱/۳۰	۰/۹۳۵
		ایمن					-۰/۳۸	***-۳/۹۹	۰/۰۰۱
		نفی‌کننده					۰/۰۳۹	۱/۹۰	۰/۷۵۶
۲	برونگرایی	ترسان	۰/۲۴	۰/۰۵۹	۷/۲۴	۰/۰۰۱	۰/۰۰۸	-۰/۴۴	۰/۰۸۲
		دل‌مشغول					۰/۰۰۲	۰/۶۳	-۰/۲۲۴
		ایمن					۰/۲۷	***۴/۸۳	۰/۰۰۱
		نفی‌کننده					۰/۰۰۰	-۰/۷۷	۰/۹۵۶
۳	گشادگی به تجربه	ترسان	۰/۲۹	۰/۰۸۹	۱۰/۴۶	۰/۰۰۱	۰/۰۰۹	۰/۲۹	۰/۹۵۸
		دل‌مشغول					۰/۰۳۳	۱/۹۳	۰/۳۹۵
		ایمن					۰/۲۳	***۵/۷۷	۰/۰۰۱
		نفی‌کننده					۰/۰۳۶	-۰/۹۷	۰/۴۹۸
۴	خوشایندی	ترسان	۰/۱۹	۰/۰۳۸	۷/۱۵	۰/۰۰۱	۰/۰۱۲	۱/۰۱	۰/۸۷۴
		دل‌مشغول					-۰/۱۸	*-۲/۳۹	۰/۰۵
		ایمن					۰/۳۹	***۴/۶۰	۰/۰۰۱
		نفی‌کننده					۰/۰۷۷	-۱/۹۰	۰/۲۱۹
۵	وظیفه‌شناسی	ترسان	۰/۲۰	۰/۰۴۳	۵/۲۴	۰/۰۰۱	۰/۱۶	*۲/۳۱	۰/۰۵
		دل‌مشغول					۰/۰۰۶	-۱/۰۹	۰/۶۵۷
		ایمن					۰/۲۱	*۲/۸۱	۰/۰۵
		نفی‌کننده					-۰/۳۳	***-۳/۷۷	۰/۰۰۱

* < ۰/۰۵ ** < ۰/۰۱ *** < ۰/۰۰۱

همچنین، گشودگی نسبت به تجربه ($t=5/77$, $p<0.01$) و خوشایندی ($t=4/6$, $p<0.01$) و وظیفه‌شناسی ($t=2/81$, $p<0.05$) می‌پردازد؛ به طوری که هر یک انحراف معیار تغییر در سبک دلبستگی ایمن با ۰/۲۷ انحراف معیار افزایش در برونگرایی، ۰/۲۳ انحراف معیار افزایش در گشودگی نسبت به تجربه، ۰/۱۶ انحراف معیار افزایش در خوشایندی و ۰/۲۱ انحراف معیار افزایش در وظیفه‌شناسی همراه است. لذا فرضیه‌های ۳ و ۴ نیز در همین مورد تایید می‌گردد. همچنین،

با توجه به جدول ۲ سبک دلبستگی ایمن به طور معکوس به پیش‌بینی روان‌رنجور خویی می‌پردازد ($t=-3/99$, $p<0.01$)؛ به طوری که هر یک انحراف معیار افزایش در سبک دلبستگی ایمن با ۰/۳۸ انحراف معیار کاهش در روان‌رنجور خویی همراه است. لذا فرضیه ۱ فقط در این مورد تایید می‌شود. همچنین، سبک دلبستگی ایمن به طور مستقیم به پیش‌بینی برونگرایی ($t=4/83$, $p<0.01$) می‌پردازد. لذا فرضیه ۲ نیز در همین مورد تایید می‌گردد.

دل مشغول نیز با گشادگی به تجربه رابطه مثبت و با خوشایندی رابطه منفی نشان داد.

همچنین، سبک دلبستگی ترسان با برونگرایی و سبک دلبستگی نفی‌کننده، با بعد وظیفه‌شناسی رابطه منفی معناداری نشان دادند.

همچنین، نتایج فرض یکم پژوهش نشان داد که سبک دلبستگی ایمن به طور معکوس به پیش‌بینی روان‌رنجورخویی می‌پردازد؛ به طوری که هر یک انحراف معیار افزایش در سبک دلبستگی ایمن با ۰/۳۸ انحراف معیار کاهش در روان‌رنجورخویی همراه است. همچنین، با توجه به نتایج فرض دوم، سبک دلبستگی ایمن به طور مستقیم به پیش‌بینی برونگرایی می‌پردازد. همچنین، فرض سوم و چهارم به تایید گشودگی نسبت به تجربه، خوشایندی و وظیفه‌شناسی می‌پردازد؛ به طوری که هر یک

انحراف معیار تغییر در سبک دلبستگی ایمن با ۰/۲۷ انحراف معیار افزایش در برونگرایی، ۰/۲۳ انحراف معیار افزایش در گشودگی نسبت به تجربه، ۰/۱۶ انحراف معیار افزایش در خوشایندی و ۰/۲۱ انحراف معیار افزایش در وظیفه‌شناسی همراه است. همچنین، با توجه به نتایج فرض پنجم، سبک دلبستگی دل‌مشغول هم در پیش‌بینی خوشایندی به طور معکوس نقش دارد و سبک دلبستگی ترسان قادر است به طور مستقیم و معنادار، صفت وظیفه‌شناسی را پیش‌بینی کند؛ به طوری که با هر یک انحراف استاندارد افزایش در سبک دلبستگی ترسان با ۱۶ درصد انحراف معیار تغییر در وظیفه‌شناسی همراه است. سبک دلبستگی نفی‌کننده نیز قادر است به طور منفی و معنادار وظیفه‌شناسی را پیش‌بینی کند. بارثلومیو و همکاران (۲۰۰۱) دریافتند که این افراد به طور دفاعی نظام

سبک دلبستگی دل‌مشغول هم در پیش‌بینی خوشایندی به طور معکوس نقش دارد ($t=-2/39$) و سبک دلبستگی ترسان قادر است به طور مستقیم و معنادار صفت وظیفه‌شناسی را پیش‌بینی کند ($t=2/31$, $p<0.05$)؛ به طوری که با هر یک انحراف استاندارد افزایش در سبک دلبستگی ترسان با ۱۶ درصد انحراف معیار تغییر در وظیفه‌شناسی همراه است. سبک دلبستگی نفی‌کننده نیز قادر است به طور منفی و معنادار وظیفه‌شناسی را پیش‌بینی کند ($t=-3/77$, $p<0.05$). لذا فرضیه ۵ در سه مورد سبک ترسان، ایمن، طردکننده تایید می‌گردد؛ یعنی هر سه به طور معناداری وظیفه‌شناسی را پیش‌بینی می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس نظریه بالبی^۱ (۱۹۷۳) دلبستگی درونی افراد بر اساس روابط با مراقبان اولیه‌شان بنا نهاده می‌شود و این چارچوب شناختی را برای فرد در برقراری روابط اجتماعی آینده‌اش مهیا می‌کند. در پژوهش حاضر، به بررسی رابطه ساده و چندگانه سبک‌های دلبستگی با صفات پنج‌عاملی شخصیت پرداخته شد. اولین هدف پژوهش، تعیین رابطه ساده بین سبک‌های دلبستگی و صفات پنج‌عاملی شخصیت بود که در این پژوهش از طریق همبستگی پیرسون مشخص شد سبک دلبستگی ایمن با صفت روان‌رنجورخویی رابطه منفی داشت و همچنین، این سبک با صفات شخصیت برونگرایی و گشادگی به تجربه، وظیفه‌شناسی و خوشایندی رابطه مثبت نشان داد. سبک دلبستگی

^۱ Bowlby

سالم، خودانگیختگی^۴ و محدودیت‌های واقع‌بینانه^۵ (تیم^۶، ۲۰۱۰؛ به نقل از کاظمی و مطهری ۱۳۹۰). بر اساس ادبیات شرح داده شده درباره دلبستگی، این برداشت می‌شود که سبک‌های دلبستگی ناایمن در برگزیده فاکتورهای خطرپذیری برای نشانه‌های آسیب شناختی هستند (بروماریو و کرنز^۷، ۲۰۰۸). علاوه بر این، نتایج مطالعات روشن ساخته است که افراد با سبک دلبستگی ناایمن، نسبت به افرادی که سبک دلبستگی ایمن دارند، سطوح بالاتری از اضطراب و نشانه افسردگی دارند (بیفولکو و همکاران^۸، ۲۰۰۲؛ هامارتا، ۲۰۰۴، ویمس و همکاران^۹، ۲۰۰۲). این نتایج با یافته‌های این پژوهش همسوست.

شاور و برن (۱۹۹۲)، نتایج معناداری در مورد اثربخشی سبک‌های دلبستگی بر روی شخصیت دانشجویان دانشگاه کسب کرده‌اند. نتایج این تحقیق مشخص کرد افراد ایمن نسبت به افراد ناایمن، کمتر روان‌رنجور و بیشتر برونگرا بودند و آن‌ها بیشتر صفت خوشایندی را نسبت به افراد اجتنابی از خود بروز می‌دهند. افرادی که نمره‌های بالایی در اجتناب دلبستگی به دست می‌آورند، کمتر گشادگی به تجربه داشتند و سبک دلبستگی اجتناب همچنین با روابط کوتاه، افسردگی، سطح پایین رضایت و تعهد مرتبط بود. افراد با سبک‌های دلبستگی ترسان در حفظ روابط دارای مشکل بودند. دمیرکن (۲۰۰۶) مشخص کرد که رابطه معناداری بین سبک‌های دلبستگی و پنج عامل شخصیت وجود

دلبستگی‌شان را بی اثر می‌کنند و تمایلاتشان به تجربه اضطراب را، که به‌طور معمول به دنبال نیازهای دلبستگی ارضا نشده می‌آید، کاهش می‌دهند. این افراد بدون روابط عاطفی نزدیک با دیگران راحتند و این بسیار برایشان مهم است که احساس استقلال و خود کفایی کنند و ترجیح می‌دهند نه آن‌ها به دیگران و نه دیگران به آن‌ها وابسته نباشند. بنابراین، می‌توان انتظار داشت که این افراد به احتمال بیشتری ویژگی‌های بعد روان‌رنجورخویی را نشان دهند و کمتر با ابعاد دیگر همبستگی مثبت نشان دهند. نتایج این تحقیق با یافته‌های پژوهش‌های گذشته، از جمله: بشارت و همکاران (۱۳۸۵)، شاور و برن (۱۹۹۲)، دمیرکن (۲۰۰۶)، گریفن و بارثولومئو (۱۹۹۴)، اندرز و توکرز (۲۰۰۰)، دنیز و همکاران (۲۰۰۵)، دی توماسا و همکاران (۲۰۰۳)، دیلماس و همکاران (۲۰۰۹)، اگزول (۲۰۰۳)، مک ماهان و همکاران (۲۰۰۷)، دورموسوگلو و همکاران (۲۰۰۶)، همسوست.

مطابق نظر بالبی، اضطراب بزرگسالان به دنبال تجارب کودکی است و همچنین، سبک‌های دلبستگی اهمیت زیادی در درک اضطراب دارند.

سبک‌های دلبستگی می‌توانند به عنوان اساس و نقطه آغازین در فرایندهایی با عنوان شناختی، عاطفی و انگیزشی در افسردگی و اضطراب باشند (سیمون و همکاران^۱، ۲۰۰۴). طرحواره‌های ناسازگار اولیه به علت ارضا نشدن نیازهای هیجانی اساسی دوران کودکی به‌جود می‌آیند. نیازهای بنیادینی، همچون: دلبستگی ایمن به دیگران، خودگردانی^۲، آزادی بیان در نیازها^۳ و هیجان‌های

⁴ Secure attachment

⁵ Realistic limits

⁶ Timm

⁷ Brumariu & Kerns

⁸ Bifulco & etal

⁹ Weems & etal

¹ Simon & etal

² Autonomy

³ Freedom to express valid needs and emotions

عمده‌ای می‌پذیرد، پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آینده به این گونه موارد نیز پرداخته شده و با توجه به بافت فرهنگی کشورمان، بسترهای مناسبی برای پژوهش‌های بین فرهنگی فراهم گردد.

منابع

بشارت، م. ع و رحیمی نژاد، ع. (۱۳۸۵). «بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و ابعاد شخصیت»، *مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ش ۱ و ۲، صص ۳۷-۵۵.

کاظمی، ح و مطهری، س. (۱۳۹۰). «طرحواره‌های ناسازگار اولیه و حالات فراشناختی در دانش‌آموزان دختر و پسر»، *مجله پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری*، ۳، ۳ (۱)، صص ۱۱-۲۲.

گروسی فرشی، م. ت. (۱۳۸۰). *رویکردهای نوین در ارزیابی شخصیت: کاربرد تحلیل عاملی در مطالعات شخصیت*، تبریز: نشر دانیال.

مانی، آ. (۱۳۸۳). *بررسی رابطه طبقات دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی با احساس شادکامی بین دانشجویان دانشگاه تبریز*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.

محمدی، ف. (۱۳۸۴). *بررسی تاثیر ارزشیابی توصیفی بر عزت نفس دانش‌آموزان پایه سوم ابتدایی شهر تهران*، پایان نامه کارشناسی، دانشگاه الزهرا.

Ainsworth, M. D. S., Blehar, M. C., Waters, E., & Wall, S. (1978). Patterns of attachment: A psychological study of the strange situation. *Hillsdale, NJ: Erlbaum.*
Ainsworth, M. D. S. (1989). Attachments beyond infancy. *American Psychologist*, 44, 709-716.

دارد. نتایج این مطالعات با یافته‌های پژوهش حاضر همسوست.

برآیند این یافته‌ها نشان می‌دهد که سبک‌های دلبستگی بر روی صفات پنج‌عاملی شخصیت تأثیرگذار هستند. این توضیحات مشخص ساخت که تجارب کودکی ممکن است بر روی ظرفیت افراد در رشد و پرورش سبک دلبستگی ایمن و به نوبه خود بر رشد ویژگی‌های شخصیت مثبت آن‌ها در زندگی آینده تأثیر معناداری داشته باشد. بنابراین، افراد ایمن با ویژگی‌های مثبت شخصیتی، از زندگی رضایت دارند و ممکن است احساس بهتری از تمام جنبه‌های شخصی و اجتماعی‌شان داشته باشند و از زندگی خودشان لذت بیشتری ببرند.

مانند هر تحقیق دیگر، بعضی از محدودیت‌ها به هنگام استفاده از این پژوهش را باید مد نظر قرار داد: اول این که جمع‌آوری اطلاعات بر اساس ابزار خودگزارش دهی (پرسشنامه) بنا شده که این نوع فرایند جمع‌آوری داده ممکن است منشأ سوگیری تک بعدی در استفاده از روش‌ها قرار گیرد؛ بنابراین، می‌توان دریافت که تلاش‌های بیشتر روش‌شناسی برای اندازه‌گیری سبک‌های دلبستگی و صفات پنج‌عاملی شخصیت در مطالعات آینده لازم به نظر می‌رسد؛ دوم این که مطالعه حاضر به دانشجویان دانشگاه هرمزگان محدود می‌شود و این که بتوان نتایج مطالعه حاضر را به مراحل دیگر زندگی تعمیم داد، با تردید همراه است. پیشنهاد می‌شود این پژوهش با ابزارها و روش‌های دیگر انجام گیرد تا در این صورت تعمیم‌پذیری یا عدم تعمیم‌پذیری نتایج بهتر آشکار شود. از آنجا که سبک‌های دلبستگی و صفات پنج‌عاملی شخصیت از عوامل فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی نیز تأثیر

- Cervone, D., Shadel, W. G., & Jencius, S. (2001). Social-cognitive theory of personality assessment. *Personality and Social Psychology Review*, 5 (1), 33-51.
- Demirkan, S. (2006). Ozel sektördeki yoneticilerin veçalışanların bağlanma stilleri, kontrol odagi, iş doyumunu ve Bes factor kişilik ozelliklerinin araştırılması. Yayimlanmamış Yuk - seklisanstezi, Ankara University, *SosyalBilimler Enstitusu, Ankara*.
- Deniz, M. E., Hamarta, E. & Arı, R. (2005). An investigation of social skills and loneliness levels of university students with respect to their attachment styles in a sample of Turkish students. *Social Behavior and Personality*, 33 (1), 19-32.
- Dilmaç, B., Hamarta, E., & Arslan, C. (2009). Analyzing the trait anxiety and locus of control of undergraduates in terms of attachment styles. *Educational Sciences: Theory & Practice*, 9 (1), 127-159.
- DiTommaso, E., Brannen-McNulty, C., Ross, L., & Burgess M. (2003). Attachment styles, social skills and loneliness in young adults. *Personality and Individual Differences*, 35 (2), 303-312.
- Durmusoglu, N., Hamarta, E., Deniz, M. E. veOzturk, A. (2006, Eylui). University ogrencilerinin bagimli kişilik ozelliklerinin bağlanma stilleri açısından incelenmesi. 15. *Egitim Bilim-leri Kongresi'nde sunulan bildiri, Mugla University Mugl*.
- Ekşi, H. veOtrar, M. (2001). Lise turleri ile kişilik ozellikleri arasındaki iliski üzerine bir araştırma. *Kuram ve Uygulamada Egitim Bilimleri*, 1, 109-129.
- Garousi Farshi, M. (2001). New approaches to personality analysis: *Application Factor Analyses in Personality Studies*. Tabriz, Daniel Publication.
- Griffin, D., & Bartholomew, K. (1994). Models of self and other: Fundamental dimensions underlying measures of adult attachment. *Journal of Personality and Social Psychology*, 67, 430-445.
- Hamarta E. (2004). Universite ogrencilerinin yakın iliskilerindeki bazı degiskenlerin (benliksaygisi, depresyonvesaplantilidu sunme). bağlanma stilleri açısından incelenmesi. *Yayimlanmamış doktora tezi*,
- Anders, S. L., & Tucker, J. S. (2000). Adult attachment style, interpersonal communication competence, and social support. *Personal Relationships*, 7, 379-389.
- Bacanlı, H., Ihan, T. veAslan, S. (2009). Bes factor kuramına dayal bir kişilik olceginin geliştirilmesi: sifatlara dayaliki şilik testi (SDKT). *Turk Egitim Bilimleri Dergisi*, 7 (2), 261-279.
- Besharat, M.A., Karimi, K., & Rahiminejat, A. (2007). Investigate the relationship between attachment styles and personality dimensions. *Journal of psychology and Education*, 36, 37-55.
- Bifulco, A., Moran, P. M., Ball, C., & Bernazzani, O. (2002). Adult attachment style I: Its relationship to clinical depression. *Social Psychiatry and Psychiatric Epidemiology*, 37, 50-59.
- Bartholomew, K., & Horowitz, L. M. (1991). Attachment styles among young adults: A test of a four category model. *Journal of Personality and Social Psychology*, 61, 226-244.
- Bartholomew, K., & Shaver P. R. (1998). Methods of assessing adult attachment: Do they converge? In J. A. Simpson, & W. S. Rholes (Eds.), *Attachment theory and close relationships* (25-45). *New York: The Guilford Press*.
- Bowlby, J. (1973). *Attachment and loss: Separation: Anxiety and anger*. New York: *Basic Books*.
- Brumariu, L. E., & Kerns, K. A. (2008). Mother-child attachment and social anxiety symptoms in middle childhood. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 29, 393 - 402.
- Burger, J. M. (2006). *Kisilik (çev.İ.D. ErguvanSarioglu)*. Istanbul: *Kaknus Yayincilik*.
- Cooper, M. L., Shaver, P. R., & Collins N. L. (1998). Attachment styles, emotion regulation, and adjustment in adolescence. *Journal of Personality and Social Psychology*, 74, 1380-1397.
- Ceyhan, A. A. (2006). University ogrencilerinin gecmişte yaşadıkları ayrılık kaygisının ogrenilmiş güçlük, kaygi ve psikolojik belirtileri yordama dizeyi. *Kuram ve Uygulamada Egitim Bilimleri*, 6, 53-73.

- depression. *Clinical and Counseling Psychology Journal*, 1 (3), 107-118.
- Thimm, J. C. (2010), Kazemi H, Motahari S. (2013). Relationship between early Maladaptive Schemas and Meta-Cognitive states in Girls and Boys Students. *Journal of Researches Cognitive and Behavioral Science*. 3; 3(1): 11-22.
- VanIjzendoorn, M. H. & Bakermans-Kranenburg, M.J. (1996). Attachment representations in mothers, fathers, adolescents, and clinical groups: A meta-analytic search for normative data. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 64, 8-21.
- Weems, C. F., Berman, S. L., Silverman, W. K., & Rodriguez, E. T. (2002). The relation between anxiety sensitivity and attachment style in adolescence and early adulthood. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, 24, 159-168.
- Selcuk University, Sosyal Bilimler Enstitüsü, Konya.
- Hamilton, C. E. (2000). Continuity and discontinuity of attachment from infancy through adolescence. *Child Development*, 71, 690-694.
- Hexel, M. (2003). Alexithymia and attachment style in relation to locus of control. *Personality and Individual Differences*, 35, 1261-1270.
- Lydden, W. J. and Sherry. A. (2001). Developmental personality styles: An attachment theory conceptualization of personality disorders. *Journal of Counseling and Developmental*, 79, 405 – 415.
- McMahon, B. (2007). Organizational commitment, relationship commitment and their association with attachment style and locus of control. Unpublished master's thesis, *Master of Science in Psychology, Georgia Institute of Technology, Atlanta*.
- Mohammadi, F. (2006). Effectiveness of descriptive Evaluation on self-esteem of third grade elementary school students in Tehran. *Unpublished master's thesis, University of Alzahra*.
- Mani, A. (2005). Investigate the relationship between personality characteristics and attachment levels with happiness among students of University of Tabriz, *Unpublished master's thesis, University of Tabriz*.
- McCrae, R. R., & John, O.P. (1992). An introduction to the Five Factor Model and-its applications. *Journal of Personality*, 60, 175-215.
- Shaver, P. R., & Brennan, A. K. (1992). Attachment styles and the big Five Personality Traits: Their connections with each other and with romantic relationship outcomes. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 18 (5), 536-545.
- Sroufe, L. A. (1979). The coherence of individual development: Early care, attachment and subsequent developmental issues. *American Psychologist*, 34, 834–841.
- Simonelli, L. E., Ray, W. J., & Pincus, A.L. (2004). Attachment models and their relationships with anxiety, worry, and

Archive of SID

Prediction of the Five-Factor Personality Traits of Students based on Adult Attachment Styles

E. Zarei

Associate Professor of Psychology, University of Hormozgan, Bandar Abbas, Iran

R. Karami Boldaji

MA in Family Counseling, University of Hormozgan, Bandar Abbas, Iran

*** H. Heydari**

MA student of Family Counseling, University of Hormozgan, Bandar Abbas, Iran

A. A. Hossein Khanzadeh

Assistant Professor of Psychology and Education of Exceptional Children, University of Guilan, Rasht, Iran

G. Baharloo

MA in Family Counseling, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Abstract:

The present study aimed to investigate the predictability of five factor personality traits by adult attachment styles. The statistical sample of this research included 240 students studying at University of Hormozgan during the educational year 2011-2012 who were selected using availability sampling from among all students and responded to two questionnaires: Relationships Scales Questionnaire (RSQ) and the Five Factor Personality Traits Questionnaire (NEO). The results of the regression analysis showed that secure attachment style can predict neuroticism inversely, while positively predicting extroversion, openness to experience, agreeableness, and conscientiousness. Preoccupied attachment style also plays a role in predicting agreeableness inversely. In addition, conscientiousness is directly predicted by fearful attachment style and reversely by negating attachment style ($P < 0/001$).

Keywords: attachment styles, five factor personality traits, university students.

* Hossein.Heydari1368@yahoo.com